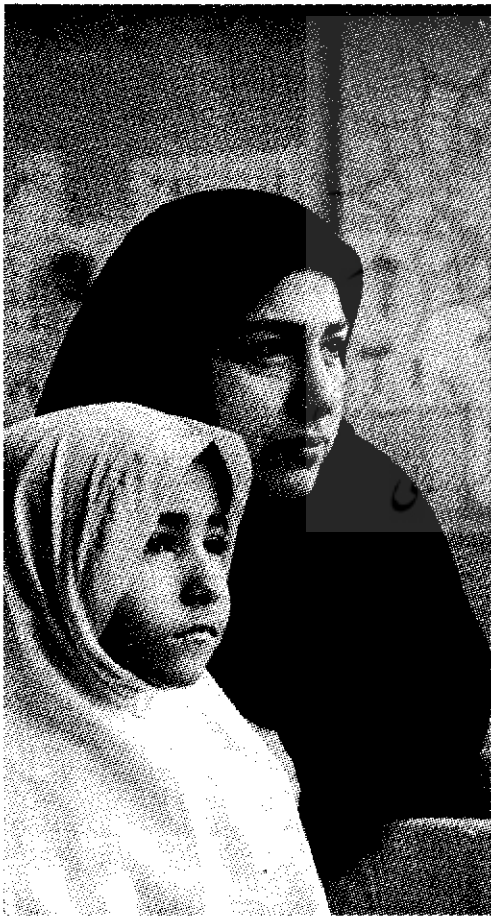


یکی از مشکلات شایع نظام‌های آموزشی در بسیاری از کشورهای جهان، از کشورهای پیشرفته تا عقب‌مانده، پدیدهٔ افت تحصیلی است که زبان‌های علمی، فرهنگی و اقتصادی زیادی متوجه دولت‌ها و خانواده‌ها می‌کند. تلاش برای شناسایی عوامل مهم در پیشرفت تحصیلی و ارائهٔ راهبردها و انجام اقداماتی در جهت کاهش خسارات ناشی از افت تحصیلی، مستلزم تحقیقات بسیار در این زمینه است.

آنچه در پی می‌خوانید حاصل پژوهشی است که به سفارش مرکز تحقیقات و مطالعات سازمان مرکزی انجمن اولیاء و مربیان انجام شده است.



ارتباط "مکان کنترل" مادر و فرزند با پیشرفت تحصیلی

گلرخ شلویری

پیشرفت تحصیلی نتیجهٔ عوامل بسیاری است که می‌توان آنها را در دو مقولهٔ عوامل مربوط به "مدرسه و نظام آموزش و پرورش" و عوامل مربوط به "تفاوت‌های فردی" دسته‌بندی کرد. به عبارت دیگر گاهی پیشرفت، متأثر از کارکرد مدرسه و گاهی متأثر از

داشت.

از طرفی، در سالهای اخیر، روان‌شناسان، روابط کودکان با مراقبان آنها به خصوص مادر را اساس عمده رشد عاطفی و شناختی آنها قلمداد کرده‌اند. نظریه پردازان یادگیری اجتماعی نیز معتقدند که تحول شخصیت تا حد زیادی، بستگی به دامنه و گستردگی و کیفیت تجارب فرد با دیگر انسان‌ها دارد. ارضای نیازهای فیزیولوژیک اولیه توسط مادر انجام می‌شود و او را تبدیل به محرک تقویت کننده در زندگی کودک می‌کند و سپس تعمیم به افراد دیگر صورت می‌گیرد. تقویت کننده‌های کلامی والدین برای قدردانی یا سرزنش کودکان، انتظارات متفاوت موفقیت یا شکست را در بسیاری از موقعیت‌ها به آنان می‌آموزد.

پس ضرورت توجه به خصوصیات شخصیتی مادر و تأثیر آن بر خصوصیات شخصیتی فرزند و پیشرفت تحصیلی او روشن می‌شود. بدیهی است افزایش شناخت ما از رابطه مادر - فرزند تلویحاتی را در برخواهد داشت که ما را در ارائه توصیه‌های تربیتی یاری خواهد کرد.

پژوهش‌های گوناگون نیز ارتباط سازه‌های مختلف را با مکان کنترل بررسی نموده‌اند. درماندگی آموخته شده سیلیگمن که نتیجه فقدان کنترل است و افسردگی را در پی دارد، گزارش حال فردی است که خود را در کنترل پیامدهای زندگی ناتوان حس می‌کند و برعکس، حس صلاحیت اجتماعی و شناختی، نتیجه احساس خودکارآمدی و مکان کنترل درونی است (هترینگتون و پسارک، ۱۹۸۶)^۳. از نظر پوپ^۴ (۱۹۸۸)، نوع اسنادهای کودک در چگونگی ارزیابی وی از

ویژگی‌های شخصیتی و شاخص‌های ذهنی، اجتماعی، عاطفی و اخلاقی دانش‌آموز است که خود می‌تواند متأثر از ویژگی‌های خانوادگی باشد. از عوامل مربوط به تفاوت‌های فردی، " مکان کنترل"^۱ است که بر طبق نظر راتر^۲ (۱۹۶۶) به باور افراد در این مورد بر می‌گردد که آیا شکست‌ها و موفقیت‌ها در زندگی آنان توسط خودشان کنترل می‌شود (مکان کنترل درونی) یا توسط عوامل بیرونی (مکان کنترل بیرونی). به عبارتی، انسان‌ها مجموعه گسترده‌ای از باورها را درباره آنچه پاداش‌ها و تنبیه‌ها را در زندگی آنها کنترل می‌کند، پیدا می‌کنند. برخی افراد، جهت‌گیری درونی پیدا می‌کنند، با این اعتقاد که تبحر، سختکوشی و رفتار مسؤولیت‌پذیر به پیامدهای مثبت و عدم تلاش و عدم مهارت به پیامدهای منفی خواهند انجامید. برخی جهت‌گیری بیرونی پیدا می‌کنند، با این باور که رویدادها از طریق شانس، قدرت دیگران و عوامل ناشناخته و غیرقابل کنترل تعیین می‌شوند و بنابراین، نتایج رفتار آنان خارج از کنترل شخصی است.

مدرسه، میدان تجربه، تلاش و نهایتاً موفقیت یا شکست است. دانش‌آموزان هم موفقیت یا شکست خود را به یکی از عوامل شانس، توانایی، کوشش یا دشواری تکلیف نسبت می‌دهند. اگر دانش‌آموزان احساس کنند که کنترل یادگیری در دست خودشان نیست و به وسیله عوامل قدرت مثل معلم، کنترل می‌شود، کمتر درگیر تکالیف درسی می‌شوند. پس شیوه علت‌یابی دانش‌آموزان از موفقیت یا شکست، در داشتن انتظار موفقیت بعدی و نیز عاطفه آموزشی‌گاهی بسیار مؤثر خواهد بود و بر پیشرفت تحصیلی، اثری تعیین کننده خواهد

نشان می‌دهد والدینی که تا حد زیادی انتظارات درونی از فرزند خود داشته باشند و فعالیت‌های او را پاداش دهند، وی دارای مکان کنترل درونی می‌شود. برعکس، رفتارهای خصومت‌آمیز، طردکننده و مهارکننده، فرزند را دچار مکان کنترل بیرونی خواهد ساخت. رابطه مکان کنترل درونی فرزند با موفقیت در

خودپنداره خویش، نقش مهمی ایفا می‌کند. هارتر (به نقل از محسنی، ۱۳۷۵)^۵ اسناد بیرونی را در مورد حوادث منفی خارج از کنترل، سالم‌تر می‌داند. راتر (نقل از دمان^۶ و همکاران، ۱۹۹۲) معتقد است، سوگیری‌های مکان کنترل درونی - بیرونی از بعضی تجارب اجتماعی نتیجه می‌شود که یکی از آنها



مدرسه و مکان کنترل بیرونی با درماندگی آموخته شده، توسط تاملینسون و لوویس^{۱۰} (۱۹۸۷) نشان داده شده است. پژوهش شلویری^{۱۱} (۱۳۷۷) که بر روی ۴۰۰ دانش‌آموز پایه چهارم ابتدایی شهر تهران و مادران آنها انجام گرفت، نشان داد که بین مکان کنترل بیرونی دانش‌آموز و معدل کل او رابطه منفی وجود دارد. این پژوهش همچنین وجود رابطه منفی بین مکان کنترل بیرونی مادر با گرایش به شانس در اسناد موفقیت و شکست و معدل کل

شیوه‌های فرزندپروری است. کارتون و نوویکی^۷ (۱۹۹۶) نشان دادند که رویدادهای استرس‌زا، گرمی و کنترل والدین سه متغیر مهم در رشد انتظارات کنترل هستند. تحقیق لین^۸ (۱۹۹۵) نشان داده است که کمترین فشار روانی در مادرانی دیده می‌شود که نمرات بالایی در مکان کنترل درونی دارند و این اهمیت بهداشت روانی مادر را در ارتباط با فرزند و رسیدگی به امور تحصیلی فرزند نشان می‌دهد. چند پژوهش در کتاب بارون^۹ (۱۹۹۱)

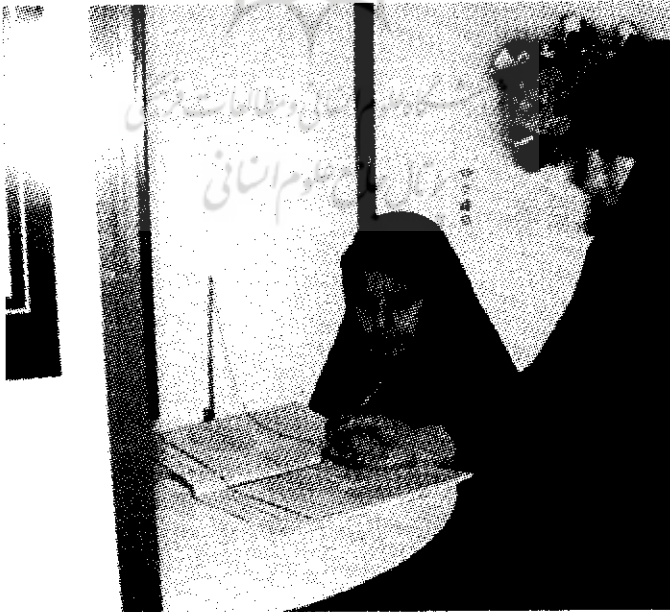
برعکس، آنهایی که باور دارند حوادث زندگی آنان ناشی از شانس است، احساس بدتری در مورد خودشان پیدا می‌کنند. البته با وجود خصیصهٔ بیش‌تعمیمی، شکست را به فقدان توانایی نسبت می‌دهند که آنان را از ادامهٔ تلاش باز می‌دارد. از طرفی عزت‌نفس افراد بامکان کنترل درونی، این اعتقاد را برای آنان به ارمغان می‌آورد که بعد از مواجهه با شکست، با کوشش بیشتر می‌توان به موفقیت دست یافت.

تیبین سوم به ویژگی افراد با مکان کنترل درونی در توانایی به تأخیر انداختن کامروایی بر می‌گردد. این افراد بهتر می‌توانند تنشی را که هنگام به تأخیر انداختن خوشی‌ها ایجاد می‌شود تحمل کنند و این امر به آنها کمک می‌کند که به طرح نقشه‌های بلند مدت بپردازند، چرا که باور دارند قادرند نتایج کوشش‌های خود را کنترل کنند. در صورتی که افراد بامکان کنترل بیرونی که از ابتدای کار فکر

دانش‌آموز را نشان داد. همچنین بین مکان کنترل درونی مادر یا پیشرفت تحصیلی (معدل کل) فرزند رابطهٔ منفی بدست آمد. وجود رابطه بین مکان کنترل و پیشرفت تحصیلی از چند جهت قابل تبیین و بررسی است:

تیبین اول به داشتن انتظار توفیق بر می‌گردد. در کودکی که انتظار دارند موفق شوند و معتقدند از عهدهٔ انجام کاری بر می‌آیند، این توقعات بالا به نوبهٔ خود می‌تواند باعث ایجاد احساس کارآمدی در آنان شده، آنان را برانگیزد که در آینده تلاش بیشتری بکنند و همین امر به موفقیت آنان خواهد انجامید.

تیبین دوم به ویژگی عزت‌نفس و خودپنداره بر می‌گردد. پژوهش نشان داده است دانش‌آموزانی که مسؤلیت بیشتری برای اتفاقات زندگی خود بر عهده می‌گیرند، احساس بهتری در مورد خودشان دارند.



پژوهش‌ها از وجود رابطه‌ای مثبت بین این دو بحث می‌نمایند، ولی می‌بایست توجه داشت همچنانکه بعضی پژوهش‌ها و ادبیات موجود در این زمینه نشان می‌دهد، مکان کنترل درونی افراطی مادر نیز به دلایل مختلف می‌تواند تأثیر منفی بر پیشرفت تحصیلی داشته باشد. یک دلیل، به اثر تمایل فراوان به کنترل و ایجاد اضطراب ناشی از آن برمی‌گردد. تلاش فراوان در اعمال کنترل و باور بیش از حد به خودکارآمدی می‌تواند به اضطراب و مقصّر دانستن خود بینجامد. چرا که عدم توجه به شرایط و حدود توانمندی کودک از سوی والدین و انتظار تلاش بیش از حد از کودک، او را مضطرب می‌کند و به ایجاد محیطی آکنده از تنبیه و وضع مقررات خشک برای کودک می‌انجامد و این، حس کشف و کنجکاوای اولیه را در کودک محدود می‌کند و بالطبع بر عملکرد ذهنی و تحصیلی وی اثری منفی خواهد داشت. دلیل دیگر به اثر کنترل افراطی مادر در رشد باورهای بیرونی فرزند مربوط است، که می‌تواند کودکان را مستعد این باور سازد که حوادث زندگی آنان مربوط به عوامل خارجی مثل اعمال والدین آنهاست و این افراد قدرتمند هستند که مسیر زندگی را تعیین می‌کنند. در حالی که هر چه خود مختاری کودکان برای کشف محیط بیشتر باشد، آنها از کنجکاوای و آزادی بیشتری برای شناخت محدودیت‌ها و امکانات خود بهره‌مند خواهند بود و بیشتر احتمال دارد که انتظارات کنترل درونی را بسط دهند.

پیشنهاد‌های تربیتی:

○ والدینی که به جای کنترل افراطی فرزند

می‌کنند عوامل غیر مشخص تعیین کننده هستند به این نتیجه می‌رسند که چرا باید خوشی‌های قابل دسترس را برای هدفهای بلند مدت به تعویق بیندازند.

وجود رابطه بین مکان کنترل بیرونی مادر (چه گرایش به شانس و چه گرایش به افراد قدرتمند در علت‌یابی شکست یا موفقیت‌های زندگی) و پیشرفت فرزند را می‌توان با توجه به روند اجتماعی شدن کودکان توجیه نمود. همچنانکه هترینگتون و پارک^{۱۲} (۱۹۸۶) می‌نویسند: آنچه در درک و درونی شدن قوانین اجتماعی از طرف کودکان و درک رابطه علت و معلولی از طرف آنان مهم و سازنده است، نحوه آموختن این قوانین از سوی والدین است، به گونه‌ای که کودکان بتوانند به خود به عنوان افرادی با صلاحیت و مؤثر و کارآمد بنگرند که می‌توانند در دنیای خود بر رویدادها و مردم تأثیر بگذارند. این امر، تنها در صورت وجود رابطه‌ای محترمانه با والدین و نیز پاسخگو بودن آنها میسر است و نیز ایجاد قوانین ثابت برای فرزندان و تشویق کنترل درونی و اجازة آغازگری از سوی والدین، این امر را تسهیل می‌نماید. این چنین شیوه‌ای از سوی مادرانی که خود، بزرگترین عامل تعیین کننده رویدادهای زندگی را شانس یا افراد قدرتمند می‌دانند، امکان‌پذیر نیست و چه بسا که در علت‌یابی شکست یا موفقیت کودکان، به عوامل شانس و قدرت معلم و شرایط مدرسه، بیش از تلاش خود دانش‌آموز بها دهند و حس مسؤولیت را در آنها کاهش دهند.

در مورد رابطه مکان کنترل درونی مادر با پیشرفت تحصیلی فرزند، گرچه بعضی

به خصوص این موضوع در سالهای اولیه دوره ابتدایی از اهمیت خاصی برخوردار است. در عوض، به طور پیوسته دانش آموز را مورد ارزیابی قرار دهند و به او در مقابل تلاش وی، بازخوردهای مثبت واقعی ارائه داده و بدین ترتیب او را به سوی بهبود عملکرد خویش سوق دهند.

○ مادران می توانند برای انتقال ارزش تلاش و کوشش و اتکا به نفس کودکان، از داستان های عامیانه و یا کتاب های داستانی که حاوی چنین ارزش هایی در شخصیت های داستان است، استفاده نمایند.

○ تأکید بر تلاش و توانایی نباید جنبه افراطی داشته باشد. گاهی والدین، دانش آموزان را بیش از اندازه به سخت کوشی ترغیب می کنند. این شیوه می تواند در کیفیت عملکرد دانش آموز مداخله کند و وی را با شکست و استادهای نامطلوب روبرو سازد. به کار بردن عباراتی مثل: "اگر تلاش کنی، می توانی آن را انجام دهی"، نادرست است. در عوض با به کار بردن جمله ای مثل: "اگر تلاش کنی، ممکن است آن را انجام دهی"، اسنادی واقع بینانه تر ایجاد کرده، در ترغیب دانش آموز به تلاش و رسیدن به موفقیت واقع بینانه تر عمل خواهند کرد. چرا که کاربرد جملاتی اینچنینی، اثر شدید شکست احتمالی را کاهش می دهد، امکان اسناد شکست به شانس و شرایط را از جانب کودک فراهم نمی آورد و کودک را در تحمل شکست، به امید موفقیت یاری می کند. چنین شیوه ای به کاهش اضطراب دانش آموز، به خصوص در موقعیت های تازه یا رقابت آمیز

خود، به حمایت از خود مختاری آنان می پردازند؛ یعنی کودکان را به آغازگری تشویق می کنند، به آنها حق انتخاب می دهند و نیز کمتر از فشار و تلقین برای کنترل رفتار فرزندان استفاده می کنند، کودکانی اجتماعی تر و پیشرفت گرا خواهند داشت که خود و نه افراد قدرتمند دیگر را مرکز علیت اعمالشان حس می کنند و ادراک بیشتری نیز از صلاحیت خود خواهند داشت.

○ شایسته است مادران به دانش آموزان کمک کنند که مسؤلیت رفتاری خویش را بپذیرند تا هنگام برخورد با موانع و نرسیدن به نتایج دلخواه، صرفاً رویدادهای بیرونی و افراد دیگر را مورد انتقاد قرار ندهند، بلکه با برخورداری از مکان کنترل درونی، مسؤلیت پیامد رفتار خود را قبول نمایند. که این پذیرش درونی باعث عمل مؤثر در محیط و افزایش عزت نفس خواهد شد.

○ دادن مسؤلیت به کودکان می بایست متناسب با توانمندی های آنان باشد و نیز پسندیده است که علایق واقعی فرزندان را از نیازها و علایق شخصی خود تفکیک نماییم و به آنچه منطبق با استعداد و توانمندی های آنان است، تأکید کنیم. پذیرفتن مسؤلیت های کوچک متناسب با سن و توان و علاقه کودکان، بتدریج مسؤلیت پذیری و درونی شدن مکان کنترل درونی را در آنان رشد می دهد.

○ مادران می بایست از بر چسب زدن به دانش آموزان (مثلاً ناتوان و بی استعداد) بر اساس عملکرد اولیه وی، خودداری کنند،



کمک خواهد نمود و این به ویژه در مورد دانش‌آموزان با مکان کنترل بیرونی قابل توجه است.

پی‌نوشت‌ها

1- LOCUS OF CONTROL

2- ROTTER J.B (1966) . " GENERALIZED EXPECTANCIES FOR INTERNAL VERSUS EXTERNAL CONTROL OF REINFORCEMENT " . PSYCHOLOGICAL MONOGRAPHS: GENERAL AND APPLIED ,80 (1), WHOLE NO , 609.

3- HETERINGTON, E. MAVIS, PARKE ,ROSS.D (1986) " CHILD PSYCHOLOGY A CONTEMPORARY VIEWPOINT . THIRD EDITION .

۴- یوپ، الیس؛ مک‌هال، سوزان؛ کرای‌هد، ادوارد (۱۳۷۳). " افزایش احترام به خود در کودکان و نوجوانان ". ترجمه پریسا تجلی. انتشارات رشد.

۵- محسنی، نیک‌چهره (۱۳۷۵). " ادراک خود-از کودکی تا بزرگسالی ". انتشارات بعثت.

6- DEMAN, A.F.& LEDUC , C.P AND LABRECHE GAUTHIER, L (1992) ." PARENTAL CONTROL IN CHILDREARING AND MULTIDIMENSIONAL LOCUS OF CONTROL ." PSYCHOLOGICAL REPORTS, VOL 70 , 320-322.

7- CARTON , JOHNS & NOWICKI , J.R.STEPHEN .(1996) ." ORIGINS OF GENERALIZED CONTROL EXPECTANCIES : REPORTED CHILD STRESS AND OBSERVED MATERNAL CONTROL AND WARMTH " . THE JOURNAL OF SOCIAL PSYCHOLOGY , 136 (6) , 753-760.

8- LYNN , E. KELLY (1995). " ADOLESCENT MOTHERS: WHAT FACTORS RELATE TO LEVEL OF PREVENTIVE HEALTH CARE SOUGHT FOR THEIR INFANTS ?" JOURNAL OF PEDIATRIC NURSING ,VOL 10-NO 2.(APRIL).

9- BARON,A,R (1991) .SOCIAL PSYCHOLOGY .SIXTH EDITION PRINTED IN THE U.S.A.

10- TOMLINSON , LOUISE M.(1987) ." LOCUS OF CONTROL AND ITS AFFECT ON ACHIEVEMENT " . PRESENTED IN PSYCHOLOGICAL ABSTRACTS .

۱۱- شلوبری، گلرخ (۱۳۷۷). " بررسی ارتباط ویژگی‌ها و مکان کنترل مادر و فرزند با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر پایه چهارم ابتدایی شهر تهران در سال تحصیل ۷۶-۱۳۷۵ ". پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی به راهنمایی خانم دکتر مهرناز شهرآرای.